



حاشیه‌هایی از یک دیدار / حلالیت هاشمی و آینده توافق ژنو.

جوان حزب‌اللهی می‌گوید: آقای هاشمی، حلالیت می‌خواهم! در انتخابات 84 علیه شما تبلیغ می‌کردم و پدرم به من گفت که هاشمی ضرری نمی‌کند بلکه ضرر این کارها به خودتان و نظام می‌رسد. امروز معنی آن حرف را می‌فهمم. هاشمی رفسنجانی گفت: همه شما را همان سال‌ها حلال کردم. این بخشی از حاشیه‌های دیدار رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اعضای حزب اراده ملت ایران است که به قلم خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نوشته شده است.

خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در حاشیه‌نگاری خود از دیدار رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اعضای حزب اراده ملت ایران، درباره پاسخ وی به پرسشی درباره آینده توافق ژنو نوشت: "درباره آینده توافق ژنو، آقای هاشمی قبلاً به صراحت پاسخش را داده. پاسخی حتی صریح‌تر از خود دولت و مذاکره‌کنندگان. آقای هاشمی به جد معتقد است «توافق ژنو» یک نمایش سیاسی نیست که بشود یا نشود. توافق ژنو انتخاب یک ملت است که همه را به تمکین وادار می‌کند. هاشمی خوب می‌داند مذاکره وقتی با اراده ملتی همراه شد، هیچ مانعی جلودارنش نیست. عاقبت توافق ژنو از همان روز اول برای هاشمی روشن بود؛ درست مثل مذاکرات پایان جنگ."

متن کامل این حاشیه‌نگاری بدین شرح است:

«امروز نوبت دیدار حزب اراده ملت با آقای هاشمی است. آنها پارسال هم آمده بودند. دل‌نگرانی پارسال آنها برای تحقق اراده ملت در انتخابات 92 بود. دل‌نگرانی امروزشان هم شده حفظ و تداوم آن. آقای هاشمی پارسال هم راه تحقق اراده ملت را نشان داد و هم آستین همت برایش بالا زد. امروز هم باید منتظر بمانیم و ببینیم که نقشه راه آینده هاشمی چیست؟

میهمانان در جای خود مستقر شده‌اند که به جلسه می‌رسیم. تازه نشسته بودم که آیت‌الله وارد شدند.

مثل همیشه آرام و با انرژی. در چند هفته اخیر ویروس فصلی هم حریف هاشمی نشد تا لااقل چند روزی را به عنوان بیماری استراحت کند. زیر لب ماشاءاللهی می گویم و بس. چراکه عنایت الهی و دعای خیر مردم راه بر چشم زخم هر بدخواهی می بندد.

هر میهمانی که شروع به سخن می کند. اول از همه ذکر خیری از دیدار پاریسال می کند. از نا امیدی آن روزها و امیدواری آقای هاشمی. تعبیر یکی از میهمانان جالب است؛ می گوید: "مردم در آن روزها به روزنه امیدی هم راضی بودند اما شما آمدی و افقی از امید ساختی". این تعبیر را که می شنوم ناخودآگاه یاد بیتی از غزل معروف حافظ می افتم: بر سر آنم که گر ز دست برآید/دست به کاری زنم که غصه سرآید. رویش زندگی هاشمی از دیرباز همین بوده. از جوانی و دوران مبارزه تا میانسالی و ماجرایی پایان جنگ. تا امروز و انتخابات 92 و حتی تا فردا و سال های آتی. هاشمی درس غزل امام را هم بخوبی پس داد تا لبخند مردم در انتخابات امسال قلب امام را دوباره شاد کند. "من به خال لبیت ای دوست گرفتار شدم/چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم/فارغ از خود شدم و کوس انالمحق بزدم/همچو منصور، خریدار سر دار شدم.

حرف های میهمانان را اگر بخواهم خیلی کوتاه خلاصه کنم، این چند سوال می شود که: سرنوشت دولت آقای روحانی چه خواهد شد؟ امید مردم حفظ می شود؟ آیا مانع تراشی ها راه تدبیر دولت را می بندد؟ نتیجه نهایی توافق ژنو چه می شود؟ آیا سرنوشت انتخابات آینده مشابه انتخابات 92 خواهد شد یا نه؟

در آخر این همه سوالات هم جملگی هم یک سوال مشترک دارند که: آقای هاشمی! نقشه راه شما برای ادامه این مسیر چیست؟ با خودم می گویم سطح انتظارات و سوالات از آقای هاشمی روزبه روز بالاتر می رود. پاریسال فقط پاسخی درباره آینده ایران می خواستند اما امسال سوالاتی می پرسند که پاسخش آینده منطقه و دنیا را عوض می کند!

هاشمی همواره برای پاسخ به سوالات از تاریخ می گوید. "تاریخ" از نگاه هاشمی آیتی از آیات خداست. "فاعتبروا یا اولی الابصار" رمز فهمیدن اعتدال است. هاشمی در پاسخ به سوالات میهمانان، از تاریخ می گوید. با روایت جالبی از صحنه انتخابات 76 تا میدان انتخابات 84. ناگفته هایی هم دارد از اتمام حجت هایی که کرد و گویش کسی بدهکار نبود. چه با اصولگرایان و چه با اصلاح طلبان.

اعتدال "هزار راه نرفته" ندارد، اعتدال، آزمون و خطا ندارد. اعتدال مسیر مشخصی دارد. اعتدال آمیزه ای از آموزه های قرآن و اراده مردم است. درست مثل خود جمهوری اسلامی. اصلاح طلب و اصولگرا در سال های گذشته به راه اعتدال نرفتند و به "هزار راه نرفته" رفتند و نتیجه اش را دیدند. برای اعتدال رقیب ترانشیدند و عاقبتش را دیدند. هاشمی از انتخابات 76 و 84 می گوید تا همه بدانند نقشه راه آینده، «یک مسیر» بیشتر ندارد. چه آینده نظام، چه آینده دولت روحانی، چه آینده انتخابات و چه آینده مردم. تاریخ از نگاه هاشمی آیتی از آیات خداست هم برای خودش، هم برای انقلاب، هم برای سیاستمداران و هم برای مردم.

درباره آینده توافق ژنو، آقای هاشمی قبلاً به صراحت پاسخش را داده. پاسخی حتی صریح‌تر از خود دولت و مذاکره‌کنندگان. آقای هاشمی به جد معتقد است «توافق ژنو» یک نمایش سیاسی نیست که بشود یا نشود. توافق ژنو انتخاب یک ملت است که همه را به تمکین وادار می‌کند. هاشمی خوب می‌داند مذاکره وقتی با اراده ملتی همراه شد، هیچ مانعی جلودارزش نیست. عاقبت توافق ژنو از همان روز اول برای هاشمی روشن بود؛ درست مثل مذاکرات پایان جنگ. هاشمی تجربه غلبه بر تردیدافکنی‌ها بر مذاکرات را هم دارد. هاشمی از همان روز اول مذاکرات پایان جنگ و پذیرش قطعنامه به نتیجه‌اش خوشبین بود؛ البته نه هر مذاکره‌ای. مذاکره به شرط اراده ملت. مذاکره اگر با حمایت مردم نباشد، می‌شود نمایش بی‌نتیجه. همان مذاکره اگر با اراده مردم باشد، می‌شود توافق با نتیجه. طرفش هرکه می‌خواهد، باشد. عاقبت توافق ژنو برای هاشمی روشن است چون انتخاب یک ملت است.

آقای هاشمی در بخش دیگری از سخنان خود شرحی قرآنی از اعتدال می‌دهد. شرحی از امت وسط اسلامی. امتی که هم منطق و استدلال دارد، هم تفکر و تعقل. هاشمی می‌گوید: اعتدال، دنبال جنگ نمی‌رود! اعتدال دست به سلاح هم نمی‌برد، مگر برای دفاع در مقابل تهاجم. هاشمی با همین شرح کوتاه هم اعتدال را به خوبی تعریف می‌کند، هم پاسخ آنانی را می‌دهد که هنوز فکر می‌کنند امام آرزوی جنگ با دیگران را داشت و نشد!

پایان سخنان هاشمی اما با اتفاق غیرمترقبه‌ای همراه می‌شود. جوانی بلند می‌شود و می‌گوید حرفی دارد. ته‌ریشی دارد با لباس و چهره‌ای موجه. آقای هاشمی می‌گوید: می‌دانم، ولی چون دیگران هم خواسته دارند، نمی‌شود. جوان اصرار می‌کند. آقای هاشمی می‌گوید: خب، بگویند.

حرف‌های جوان حزب‌اللهی که شروع می‌شود همه را شوکه می‌کند. خیلی صادقانه می‌گوید: آقای هاشمی، حلالیت می‌خواهم! هم از شما و هم از پدرم. پدرم در انتخابات 84 که علیه شما تبلیغ می‌کردم به من گفت "آقای هاشمی از رأی ندادن و تبلیغ منفی شما ضرری نمی‌کند. ضرر این کارها به خود شما و نظام می‌رسد". من امروز بعد از هشت سال معنی حرف آن روز پدرم را فهمیدم.

با شنیدن این حرف‌ها سکوت عجیبی بر جلسه حاکم شد. انگار همه می‌خواستند باقی حرف‌های جوان را بشنوند. جوان با صدایی بغض‌آلود ادامه می‌دهد: آقای هاشمی! حلالم کنید. من تا همین دو سال قبل هم علیه شما مقاله و مقوا نوشتم و شعار دادم و بدگفتم و ...! حلالم کنید.

حرف‌های جوان که تمام می‌شود، چشم همه به سوی هاشمی دوخته می‌شود. همه منتظر پاسخ آیت‌الله هستند. هاشمی پاسخی کوتاه و معنادار می‌دهد: "من همه شماها را همان سال‌ها حلال کردم و در نماز جمعه هم اعلام کردم".

با شنیدن این حرف همه دست می‌زنند. خود جوان هم دست می‌زند. من هم دست می‌زنم. بیشتر برای صداقت این جوان دست می‌زنم تا مروت هاشمی؛ چراکه صداقت، مودت می‌آورد، بزرگی می‌آورد؛ حتی اگر اقرار به اشتباه باشد.

روایت مصلحت ادامه دارد...»